



به نام خدا

سخنی با خودمان به بهانه روز معلم

سال‌ها است که در این کشور به مناسبت بزرگداشت مقام معلم هر ساله در روز ۱۲ اردیبهشت که مصادف با شهادت آیت‌الله مطهری نیز هست، مراسمی برگزار می‌شود و اهل علم و کتاب و سخن و آموزش سخنانی در این رابطه ارائه می‌کنند که بعضاً به نکات بسیار ارزشمندی هم اشاره می‌کنند که از آنجا که این مراسم در زمره برنامه‌های مناسبی قرار می‌گیرند، عمدتاً آنچه که مطرح می‌شود، علیرغم ارزش و اهمیتی که دارند، همان‌گونه که معمولاً روال مراسم مناسبی است، بیشتر جنبه یادآوری دارند و آن‌ها را می‌توان حتی از نوع سخنانی دانست که گوینده به مخاطبان می‌گوید با این قید مستتر که آنان از آن سخنان ممکن است پند بگیرند و یا ملال. اکنون در اولین شماره سال ۱۴۰۳ که مصادف با فصل بهار و ماه اردیبهشت که شامل روز معلم است، مناسب دیده شد که به همین بهانه چند کلامی گفته شود با این امید که نکات مطرح شده را در وهله اول خودمان، و سپس خوانندگان گرامی، در هر منصب و موقعیتی که هستند، مورد عنایت قرار دهند؛ باشد که نتیجه آن، چه پند باشد و چه ملال، انگیزه‌ای باشد برای نهادن خشتی بر خشت‌های قبلی در ساخت عمارت علم و دانش در کشور.

اولین نکته که از نظر اینجانب بسیار حائز اهمیت است و این بزرگداشت و همه فعالیت‌های منتسب به این روز به دلیل آن صورت می‌گیرد، ارج گذاری به مقام معلم و استاد است. چیزی که خوشبختانه در طول تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران عزیز مستتر در تاریخ تمدن این مرز و بوم و جزء لاینجزای ادب و تربیت این مردمان بوده، تا جایی که سعدی شیرین سخن در حکایت چهارم از باب هفتم کتاب شریف گلستان، از روی حکمت پیام داده است که: «جور استاد به ز مهر پدر» است. تشریح و تشریح

این امر مهم باید در همه سطوح آموزشی و اجتماعی در نظر بوده و ترجیح بند گفتارها و برنامه های آموزشی و تربیتی باشد.

دومین نکته حائز اهمیت از نظر اینجانب، ارج گذاری به رشته خودمان است، خواه آن را کتابداری بنامیم یا اطلاع رسانی و یا علم اطلاعات و دانش شناسی. اندکی مطالعه و تجربه در این حوزه نشان می دهد که ظرفیت های آن به گونه ای است که محتوای این رشته می تواند از حجم یک مشت تا گستره اقیانوسی پهناور را در بر بگیرد. متأسفانه بخاطر کاستی هایی که به ویژه در گذشته در فهم و برخورد با این رشته وجود داشته، درونمایه و ظرفیت های آن به درستی روشن و عیان نشده و اغلب برداشت های تقلیلی و کاهنده از آن شده است؛ این در حالی است که به شهادت زمینه های موضوعی بی شماری که امروزه در مقالات و کتب و رساله ها و پژوهش ها می توان دید، بخوبی می توان به استعداد و غنای آن پی برد و از پرتو این محسنه کسانی که در این حوزه به مطالعه و پژوهش و خدمت مشغولند می توانند به دور از هر گونه خود کم بینی، نهایت افتخار و بالندگی را نسبت به خود و رشته خود داشته باشند.

سومین نکته بسیار مهم این است که لازم است در این رشته به گونه ای عمل شود که همپای رشد و تحولاتی که این رشته در جهان به خود می گیرد، پیش رفت و از قافله عقب نماند. از آنجا که به خصوص در جامعه ما هنوز وجوه سنتی و قدیمی این علم در بعضی از مواقع و مراکز به کار می آید، دست اندرکاران نباید از پیشرفت ها غافل شده و در ماند آب سنت گرفتار بمانند؛ بلکه باید «افشار» گونه و ماهرانه با امواج نو در دریای سنت آشنا شده و آن ها را بپذیرند و از آن ها بهره برداری کنند. از این رو، بر همه ما شاگردان این مکتب واجب است که ضمن شناسایی و ارج گذاری به استادانمان و حفظ حرمت آنان، از یک سو به تهذبات علمی و اخلاقی و تربیتی خود پایبند باشیم، و از سوی دیگر، با علوم و فنون نوین آشنا شده و مسیر حرکت خود را در از میان شاهراه ها و کوچه های تمدن اخلاق گرا و انسان گرای نوین که بالندگی علمی و معرفتی و فناورانه بشر امروزی را به همراه دارند قرار دهیم.

دوازدهم فرودین ۱۴۰۳

عبدالحسین فرج پهلوی

سردبیر نشریه